

روانشناسی

مجله علمی - پژوهشی

شماره استثنای در بین المللی ۱۶۸۰-۸۳۳۶

۵۶

سال چهاردهم / شماره ۳ / زمستان ۱۳۸۹

فصلنامه انجمن ایرانی روانشناسی

فهرست

□ مقایسه ویژگی سرسختی در بیماران مزمن و افراد سالم

ملیحه ترشابی، دکتر هادی بهرامی احسان..... ۳۳۸

□ اثربخشی آموزش بازسازی شناختی بر اصلاح تصویر بدنی منفی و افزایش حرمت خود در دختران نوجوان

دکتر ژیلا کتیبایی، لیلی گنجوی، زینب حسن‌بیگی، سعید قنبری، پرینا سادات سید موسوی..... ۳۵۷

□ تأثیر بازی درمانی بر اختلال اضطراب جدایی کودکان

سلیمه جلالی، دکتر حسین مولوی..... ۳۷۰

□ تحول پردازش شناختی مکان‌های خیابان ایمن و نا ایمن در نمونه ایرانی

دکتر زهرا طیبی، دکتر سید امیر امین یزدی..... ۳۸۳

□ رابطه نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی در سازگاری آموزشی، اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان

دکتر بهرام صالح صدق‌پور، مسعود اسدی، میرنادر میری..... ۴۰۱

□ نقش خودکارآمدی تحصیلی و اهداف پیشرفت در تنیدگی، اضطراب و افسردگی دانشجویان

دکتر مسعود غلامعلی لوانسانی، همین خضری آذر، جواد اسانی، احسان مال‌احمدی..... ۴۱۷

□ گزارش و خبر..... ۴۳۳

□ نمایه مؤلفان شماره‌های ۱ تا ۵۶ مجله.....

درجه علمی - پژوهشی، در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۴
کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، به «مجله روانشناسی»
اعطاء گردید. این درجه در تاریخ‌های ۱۳۸۳/۱۰/۱۲ و
۱۳۸۹/۲/۱۲ تمدید گردید. هم‌طور از سوی شورای راهبردی
بانگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) در جلسه مورخ
۱۳۸۸/۲/۱۸ این شورا «مجله روانشناسی» به عنوان نشریه نمایه
شده ISC و ایران ژورنال مورد تأیید قرار گرفت و دارای
«ضریب تأثیر» (IF) می‌باشد. این مجله همچنین
ایندکس APA براساس نامه مورخ ۳۱ آگوست ۲۰۰۹ گردید.

مجله روانشناسی*



August 31, 2009

Dear Dr. Ejei:

This is to inform you that
We will index these journals
processed for the data

Please confirm that a

We look forward to yo

Thank you very much

Best regards,

تحول پردازش شناختی مکان‌های خیابان ایمن و نا ایمن در نمونه ایرانی *

Development of Processing Information Related to Safe and Dangerous Road Sites: An Iranian Case Study *

Zahra Tabibi,[✉] Ph.D

Seyyed Amir Aminyazdi, Ph.D.

دکتر زهرا طبیبی **

دکتر سید امیر امین یزدی **

Abstract

The current study examined the developmental trend of perception of danger. This is a required ability to cross roads in a safe way. A total of 177 children in the age-groups of 5,7,9 and 11 years and a group of 36 adults participated in this study. Perception of danger was assessed by 10 pictures of safe/dangerous road crossing sites. The results indicated that younger children performed less well than the older children and adults in identifying the safe/dangerous road crossing sites. Nine and 11 year-olds were less able than adults to identify dangerous sites. The younger children noticed mainly the factor of "presence/absence of cars on the road" as a reason for a site being dangerous or safe. While older children and adults mentioned other factors such as "visibility" and "complexity" of roads as well. The results were discussed based on Piagetian theory and Information processing approach. The implication of the results is to provide road safety education programmes appropriate to the age of children.

Keywords: perception of danger, Iranian children, development, pedestrian skill

چکیده

هدف تحقیق فعلی بررسی روند تحول یکی از مهارت‌های لازم برای عبور از خیابان یعنی توانایی درک خطر است. درک خطر هنگام عبور از خیابان مستلزم شناسایی مکان‌های «ایمن» و «خطرناک» عبور از آن است. ۱۷۷ کودک در گروه‌های سنی ۵، ۷، ۹، ۱۱ ساله و ۳۶ بزرگسال در این تحقیق شرکت کردند. توانایی درک خطر آزمودنی‌ها بوسیله ۱۰ تصویر از مکان‌های «ایمن» و «خطرناک» عبور از خیابان ارزیابی شد. از آزمودنی‌ها خواسته شد «ایمن» یا «خطرناک» بودن هر مکان را با ذکر دلایل خود بیان کنند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد کودکان ۵ و ۷ ساله در شناسایی مکان‌های ایمن و خطرناک بسیار ضعیف بودند و کودکان ۹ و ۱۱ ساله اگرچه در شناسایی مکان‌های ایمن خوب عمل کردند اما در شناسایی مکان‌های خطرناک نسبت به بزرگسالان ضعیفتر بودند. کودکان کوچکتر دلیل ایمن و خطرناک بودن مکان عبور را «بود یا نبود اتومبیل» دانستند. کودکان بزرگتر به عوامل‌های دیگر چون «چند طرفه بودن خیابان» و «محدودیت دید» اشاره کردند. نتایج با استفاده از رویکرد پیاژه و پردازش اطلاعات و نیز آمار حوادث خیابانی کودکان مورد بحث قرار گرفت. تهیه برنامه‌های آموزشی متناسب با سن در جهت ارتقاء این توانایی از کاربردهای ضمنی پیشنهادی تحقیق فعلی است.

کلیدواژه‌ها: کودکان، درک خطر، رفتار تراجیکی، مکان‌های ایمن و خطرناک عبور

* Faculty of Education and Psychology Ferdowsi
University Mashhad, I.R. Iran.
✉Email: ztabibi@fci.iaimail.com, Tel:(098)511 87 83 008

* دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۷/۱۱ تصویب نهایی: ۱۳۸۹/۳/۹
** این تحقیق با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه
فردوسی مشهد صورت گرفته است.

نظریه‌پردازان و محققان در این زمینه به گونه‌های مختلفی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. در این راستا، محققان ایرانی نیز تلاش کرده‌اند تا با روش‌های نوین و استفاده از ابزارهای آماری، این موضوع را مورد بررسی قرار دهند.

در ادامه، به بررسی برخی از یافته‌های مهم در این زمینه پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده در ایران، نشان می‌دهد که عوامل مختلفی در شکل‌گیری و توسعه این پدیده نقش دارند. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که این پدیده در مناطق مختلف ایران، تفاوت‌های قابل توجهی دارد. در ادامه، به بررسی برخی از روش‌های نوین تحقیقاتی در این زمینه پرداخته می‌شود. همچنین، به بررسی برخی از یافته‌های مهم در این زمینه پرداخته می‌شود. همچنین، به بررسی برخی از یافته‌های مهم در این زمینه پرداخته می‌شود.

نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده در ایران، نشان می‌دهد که عوامل مختلفی در شکل‌گیری و توسعه این پدیده نقش دارند. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که این پدیده در مناطق مختلف ایران، تفاوت‌های قابل توجهی دارد. در ادامه، به بررسی برخی از روش‌های نوین تحقیقاتی در این زمینه پرداخته می‌شود. همچنین، به بررسی برخی از یافته‌های مهم در این زمینه پرداخته می‌شود.

● نتیجه

تفاوت است. به اعتقاد پیازه (۱۹۲۹) استدلال و تفکر کودکان در سنین ۲ تا ۷ سال تحت سلطه شهود (ادراک مستقیم) است. محدودیت‌های «مركزه»^۱ و «بازگشت ناپذیری»^۲ کودک را از تمرکز بر جنبه‌های مختلف یک مسئله و درک دیدگاه دیگران باز می‌دارد. کودکان در سنین ۷ تا ۱۱ سالگی قادر به تفکر مفهومی شده و در نتیجه تفکر از سلطه ادراک و خودمیان بینی، آزاد شده و شکل منطقی می‌یابد. در این سن، کودکان قادر به «مركززدایی»^۳ و «درک دیدگاه دیگران»^۴ می‌شوند. به طوری که می‌توانند همزمان بر جنبه‌های مختلف مسئله تمرکز نمایند و دیدگاه دیگران را در نظر گیرند (نقل از وادزورث، ۱۳۷۸).

در مقابل دیدگاه «تحول کیفی»، رویکرد «تحول پیوسته» قرار دارد که تفاوت‌های سنین مختلف را کیفی می‌داند. «پیوستگی» تحول شناختی به این معنا است که از بدو تولد مهارت‌های یکسانی وجود دارند که به تدریج با افزایش سن کارآمدتر و سریعتر می‌شوند (برک، ۱۳۸۵). در اوایل کودکی (۲ تا ۶ سالگی) ظرفیت و سرعت پردازش محدود و کند است به طوری که میزان اطلاعاتی که در هر لحظه مورد توجه و پردازش قرار می‌گیرند بسیار اندک است. علاوه بر محدودیت ظرفیت، توجه به شدت تحت تاثیر عامل‌های حواسپرت کننده و اطلاعات نامربوط است. در اواسط کودکی (۶ تا ۱۱ سالگی) افزایش ظرفیت و سرعت پردازش باعث افزایش میزان اطلاعات پردازشی در هر لحظه می‌گردد که نتیجه آن بهبود عملکرد است. همراه با تحول، توجه دقیق‌تر، انتخابی‌تر، مستمرتر و برنامه‌ریزی شده می‌گردد (برک، ۱۳۸۵ و فلاول، ۱۳۷۷).

یک جنبه از توانایی درک خطر هنگام عبور از خیابان بازشناسی مکان‌های ایمن از نا ایمن برای عبور از خیابان است. یعنی دانستن عامل‌هایی که مکان عبور خاصی را خطرناک می‌کند. پژوهش‌های مختلف با استفاده از ابزارهای مختلف چون ماکت‌های چوبی، تصاویری از محیط‌های مختلف خیابانی به بررسی تفاوت‌های درک خطر هنگام عبور از خیابان در سنین مختلف اقدام کرده‌اند. این تحقیقات در محیط واقعی هم انجام شده است. نتایج حاکی از افزایش توانایی درک خطر با بالا رفتن سن است (امپوفتینگ و تامسون، ۱۹۹۱). به طوری که کودکان ۱۱ ساله در بازشناسی مکان‌های ایمن و نا ایمن عبور از خیابان بهتر از کودکان زیر ۹ سال عمل کردند. مهمترین توضیحات ارائه شده یکی براساس دیدگاه پیازه بوده است. با استفاده از دیدگاه پیازه، دیتمتری (۱۹۹۷) طی

در گروه‌های سنی مختلف است. همچنین، این پژوهش هدف فرعی «ارزیابی توانایی درک خطر در موقعیت‌های مختلف خیابانی» را نیز دارد.

• روش

○ «آزمودنی»های گروه نمونه شامل ۱۷۷ کودک در چهار گروه سنی ۵، ۷، ۹، ۱۱ سال و ۳۶ بزرگسال بود. ۵ ساله‌ها شامل ۳۶ کودک مهدکودکی با میانگین سنی ۶۶/۸۶ ماه، ۱۵ پسر و ۲۱ دختر بودند. ۷ ساله‌ها شامل ۲۷ کودک کلاس درمی با میانگین سنی ۹۱/۳۴ ماه، ۲۸ پسر و ۱۹ دختر بودند. ۹ ساله‌ها شامل ۲۵ کودک کلاس چهارمی با میانگین سنی ۱۱۶/۹۷ ماه، ۲۵ پسر و ۲۰ دختر بودند. ۱۱ ساله‌ها ۲۹ کودک در کلاس اول راهنمایی با میانگین سنی ۱۴۲/۱۴ ماه، ۲۴ پسر و ۲۵ دختر بودند. ۳۶ بزرگسال با میانگین سنی ۲۷۲/۵ ماه، ۱۰ مرد و ۲۶ زن در این تحقیق بطور داوطلبانه شرکت کردند. برای انتخاب گروه نمونه از شیوه نمونه برداری در دسترس استفاده شد.

○ ابزار تکلیف شناسایی مکان‌های ایمن و خطرناک عبور از خیابان

«تکلیف» دارای ۱۰ تصویر اصلی و یک تصویر آزمایشی از مکان‌های عبور از خیابان بود. تصاویر به صورت نقاشی از محیط واقعی ترافیک طراحی شده بودند. هر تصویر فردی را نشان می‌داد که در کنار خیابان ایستاده و قصد عبور از خیابان را دارد. شش مورد از تصاویر مکان‌های عبور خطرناک مانند پیچ کور، پل خیابانی، میدان، تقاطع چند جهتی بدون چراغ خطر، اتومبیل‌های پارک شده، اتوبان و چهار مورد دیگر مکان‌های ایمن شامل «پل عابر پیاده»، «زیر گذر عابر پیاده»، «گذرگاه عابر پیاده»، «چراغ راهنمایی» در وضعیت قرمز (نمونه‌ای از تصاویر ضمیمه شده است) را نشان می‌دادند. این تکلیف توانایی آزمودنی‌ها را در شناسایی «کجا برای عبور ایمن و کجا نایمن است» می‌سنجد. هر تصویر به‌طور جداگانه به آزمودنی داده می‌شد و از او خواسته می‌شد در مورد ایمن یا خطرناک بودن مکان عبور در آن تصویر نظر دهد.

این تکلیف قبلاً در مطالعات خارجی مربوط به بررسی توانایی افراد - کودک و بزرگسال - در شناسایی مکان‌های ایمن و خطرناک عبور از خیابان استفاده شده است (وینچ، ۱۹۸۱؛ آمپوفیتینگ و تامسون، ۱۹۹۱ و طیبسی و فخر ۲۰۰۳). تصاویر براساس ویژگی‌های نظام ترافیکی ایران تهیه گردید. به منظور بررسی این مسئله که آیا روانی

در این مقاله به بررسی نقش آموزش در توسعه اقتصادی ایران در دوره پهلوی می‌پردازیم.

نویسنده: دکتر سید علی حسینی

موضوع: نقش آموزش در توسعه اقتصادی ایران در دوره پهلوی

کلیدواژه‌ها: آموزش، توسعه اقتصادی، ایران، دوره پهلوی

چکیده: در این مقاله به بررسی نقش آموزش در توسعه اقتصادی ایران در دوره پهلوی می‌پردازیم.

مقدمه: در این مقاله به بررسی نقش آموزش در توسعه اقتصادی ایران در دوره پهلوی می‌پردازیم.

در دوره پهلوی، آموزش نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایران ایفا کرد. دولت پهلوی با تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، زمینه را برای تربیت نیروی انسانی متخصص فراهم کرد. این اقدامات منجر به رشد صنعت و خدمات در ایران گردید. همچنین، آموزش در زمینه‌های مهندسی، پزشکی و حقوق، پایه‌های اساسی برای توسعه اقتصادی کشور را بنا نهاد. در ادامه، آموزش در سطوح متوسط و ابتدایی نیز گسترش یافت و به افزایش آشنایی مردم با مفاهیم مدرن و روش‌های نوین تولید منتهی گردید.

روش تحقیق

این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی تدوین شده است.

در این مقاله، به بررسی نقش آموزش در توسعه اقتصادی ایران در دوره پهلوی می‌پردازیم. برای این منظور، از روش‌های توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. در ابتدا، به بررسی وضعیت اقتصادی ایران در دوره پهلوی می‌پردازیم و سپس نقش آموزش در این توسعه را تحلیل می‌کنیم. در ادامه، به بررسی تأثیرات آموزش در زمینه‌های مختلف اقتصادی می‌پردازیم. همچنین، به بررسی نقش آموزش در توسعه صنایع مختلف و خدمات می‌پردازیم. در نهایت، به بررسی نقش آموزش در توسعه نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری می‌پردازیم. این مقاله بر اساس اسناد و مدارک موجود در آرشیوهای دولتی و دانشگاهی تدوین شده است. همچنین، از کتاب‌ها و مقالات علمی در زمینه آموزش و توسعه اقتصادی ایران استفاده شده است.

نتیجه‌گیری: آموزش نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایران در دوره پهلوی ایفا کرد.

در دوره پهلوی، آموزش نقش مهمی در توسعه اقتصادی ایران ایفا کرد. دولت پهلوی با تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، زمینه را برای تربیت نیروی انسانی متخصص فراهم کرد. این اقدامات منجر به رشد صنعت و خدمات در ایران گردید. همچنین، آموزش در زمینه‌های مهندسی، پزشکی و حقوق، پایه‌های اساسی برای توسعه اقتصادی کشور را بنا نهاد. در ادامه، آموزش در سطوح متوسط و ابتدایی نیز گسترش یافت و به افزایش آشنایی مردم با مفاهیم مدرن و روش‌های نوین تولید منتهی گردید.

به این ترتیب که «چرا فکر می‌کنی آن مکان عبور خطرناک (یا ایمن) است؟». در این تکلیف به هر پاسخ صحیح یک امتیاز داده شد. حداقل نمره فرد «صفر» (هیچ مکانی را به درستی شناسایی نکرده) و حداکثر نمره «بیست» (شناسایی صحیح از خطرناک یا ایمن بودن مکان‌ها و استدلال صحیح) است. برای ارتقا سطح اعتبار نمرات، پاسخ‌های استدلالی آزمودنی‌ها (سوال دوم) در ابتدا توسط دستیار تحقیق و سپس مجری تحقیق نمره گذاری شد.

• نتایج

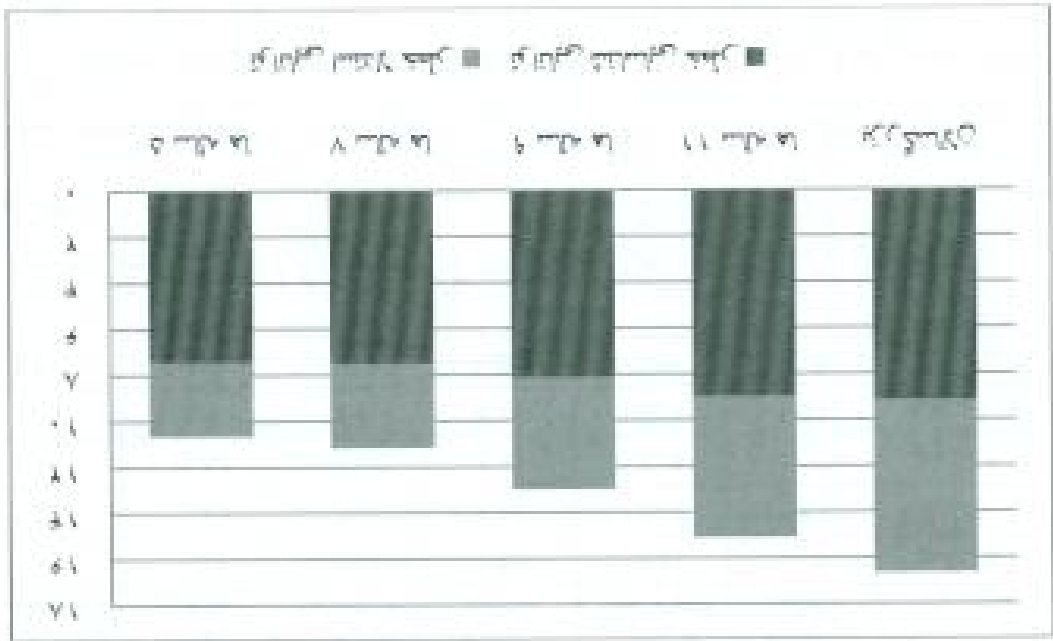
از تحلیل واریانس یک طرفه برای ارزیابی توانایی کلی درک خطر که حاصل جمع نمرات «شناسایی خطر» و «استدلال خطر» است در گروه‌های سنی مختلف استفاده شد. جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمرات به تفکیک گروه سنی و توانایی را نمایش می‌دهد.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار نمرات در توانایی کلی درک خطر، شناسایی خطر و استدلال خطر به تفکیک گروه سنی

شاخص‌ها سن	توانایی شناسایی خطر		توانایی استدلال خطر		توانایی کل درک خطر	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
۵ ساله‌ها	۷.۴۲	۱.۶۱۰	۳.۲۲	۱.۶۷۵	۱۰.۶۴	۲.۹۴۹
۷ ساله‌ها	۷.۴۹	۱.۶۲۷	۳.۶۸	۱.۷۷۱	۱۱.۱۷	۲.۹۴۴
۹ ساله‌ها	۸.۱۳	۱.۸۰۴	۴.۸۴	۱.۳۲۸	۱۲.۹۸	۲.۸۱۶
۱۱ ساله‌ها	۸.۹۶	۱.۱۵۴	۶.۱۴	۱.۸۷۱	۱۵.۱۰	۲.۵۰۲
بزرگسالان	۹.۱۴	۱.۰۴۶	۷.۵۳	۱.۶۱۲	۱۶.۶۷	۲.۳۳۰

نتایج تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد که عملکرد گروه‌های سنی مختلف در «شناسایی خطر» ($F=12/01, p < 0/001$)، «استدلال خطر» ($F=43/84, p < 0/001$) و نمره کل «درک خطر» ($F=35/06, p < 0/001$) به‌طور معناداری متفاوت است. سپس از آزمون تعقیبی توکی جهت بررسی معناداری تفاوت بین گروه‌های سنی مختلف استفاده شد و نتایج زیر به‌دست آمد با توجه به نتایج آزمون تعقیبی توکی عملکرد بزرگسالان و ۱۱ ساله‌ها در پاسخ به سوال شناسایی خطر به‌طور معناداری بهتر از عملکرد کودکان ۵ و ۷ ساله بود ($p < 0/001$ در همه موارد). در پاسخ به این سوال عملکرد بزرگسالان بهتر از ۹ ساله‌ها ($p=0/02$) بود. نمرات ۱۱ ساله‌ها نیز تفاوت معناداری با نمرات بزرگسالان

در این زمینه، داده‌های کمی در این خصوص است و این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد. همچنین، این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد.



در این زمینه، داده‌های کمی در این خصوص است و این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد. همچنین، این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد.

در این زمینه، داده‌های کمی در این خصوص است و این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد. همچنین، این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد.

در این زمینه، داده‌های کمی در این خصوص است و این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد. همچنین، این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد.

در این زمینه، داده‌های کمی در این خصوص است و این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد. همچنین، این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد.

در این زمینه، داده‌های کمی در این خصوص است و این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد. همچنین، این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد.

در این زمینه، داده‌های کمی در این خصوص است و این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد. همچنین، این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد.

در این زمینه، داده‌های کمی در این خصوص است و این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد. همچنین، این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد.

در این زمینه، داده‌های کمی در این خصوص است و این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد. همچنین، این مسئله نیاز به بررسی بیشتری دارد.

مقایسه‌ای از نمرات گروه‌های سنی مختلف در پاسخ به تصاویر «ایمن» و تصاویر «خطرناک» انجام گرفت. بدین منظور نمره کل (حاصل جمع سوال اول و سوال دوم) برای زیرمجموعه تصاویر «ایمن» و «خطرناک» بطور جداگانه محاسبه شد. از آنجایی که تعداد تصاویر مکان‌های ایمن ۴ و مکان‌های خطرناک ۶ مورد بود، به منظور مقایسه نمرات در این دو زیرمجموعه نسبت نمرات محاسبه شد. بدین ترتیب که نمره هر فرد در پاسخ به تصاویر «ایمن» تقسیم بر ۴ و نمره او در پاسخ به تصاویر «خطرناک» تقسیم بر ۶ شد. بنابراین حداقل نمره صفر و حداکثر ۲ است. میانگین و انحراف معیار نمرات در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار نمرات کل درک خطر به تفکیک زیرمجموعه تصاویر «ایمن» و «خطرناک» و گروه سنی

سن	زیرمجموعه تصاویر «ایمن»		زیرمجموعه تصاویر «خطرناک»	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
۵ ساله‌ها	۱.۴	۰.۶	۰.۸	۰.۴
۷ ساله‌ها	۱.۶	۰.۴	۰.۸	۰.۴
۹ ساله‌ها	۱.۸	۰.۴	۱.۰	۰.۴
۱۱ ساله‌ها	۱.۹	۰.۲	۱.۳	۰.۴
بزرگسالان	۱.۸	۰.۲	۱.۶	۰.۳

تاثیر عامل زیرمجموعه تصاویر معنادار بود: $F=222.2$ $df=1/202$ $p<0.001$

تاثیر گروه سنی معنادار بود: $F=29.5$ $df=4/202$ $p<0.001$

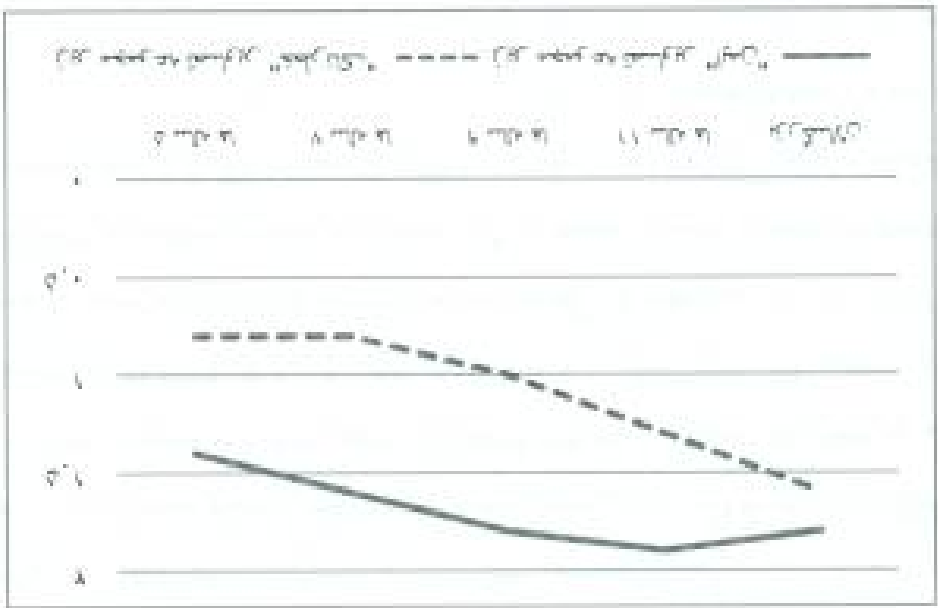
تعامل عامل زیرمجموعه تصاویر و گروه سنی معنادار بود: $F=3.8$ $df=4/202$ $p<0.005$

از تحلیل واریانس با اندازه‌های مکرر جهت بررسی تفاوت نمرات در دو زیرمجموعه تصاویر ایمن و خطرناک بر حسب گروه سنی استفاده شد. نتایج آماری نشان می‌دهد که نمرات زیرمجموعه تصاویر ایمن بطور معناداری از نمرات زیرمجموعه تصاویر خطرناک برای همه گروه‌های سنی با هم بیشتر است. از آنجایی که تعامل عامل زیرمجموعه تصاویر و گروه سنی معنادار است و با توجه به نمودار زیر می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که این تفاوت در بین کودکان خیلی بیشتر از آن در بین بزرگسالان است. یعنی در مقایسه با بزرگسالان، کودکان کوچکتر در شناسایی مکان‌های خطرناک خیلی ضعیف‌تر عمل کردند. (نمودار ۲)

در این پژوهش از روش‌های آماری مختلف برای بررسی تفاوت‌ها در میانگین‌ها استفاده شد. ابتدا از آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین‌ها در دو گروه استفاده شد. در صورتی که تفاوت معنی‌دار مشاهده شد، آزمون تی زوج برای مقایسه میانگین‌ها در هر یک از گروه‌ها استفاده شد. در صورتی که تفاوت معنی‌دار مشاهده شد، آزمون تی زوج برای مقایسه میانگین‌ها در هر یک از گروه‌ها استفاده شد. در صورتی که تفاوت معنی‌دار مشاهده شد، آزمون تی زوج برای مقایسه میانگین‌ها در هر یک از گروه‌ها استفاده شد.

در این پژوهش از روش‌های آماری مختلف برای بررسی تفاوت‌ها در میانگین‌ها استفاده شد. ابتدا از آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین‌ها در دو گروه استفاده شد. در صورتی که تفاوت معنی‌دار مشاهده شد، آزمون تی زوج برای مقایسه میانگین‌ها در هر یک از گروه‌ها استفاده شد. در صورتی که تفاوت معنی‌دار مشاهده شد، آزمون تی زوج برای مقایسه میانگین‌ها در هر یک از گروه‌ها استفاده شد. در صورتی که تفاوت معنی‌دار مشاهده شد، آزمون تی زوج برای مقایسه میانگین‌ها در هر یک از گروه‌ها استفاده شد.

جدول ۱: نتایج آزمون‌های آماری در پژوهش حاضر



می‌دهد. بر طبق این جدول، کودکان ۵ و ۷ و ۹ ساله به دلیل نبود اتومبیلی در خیابان آن مکان را برای عبور از خیابان ایمن دانستند. تعداد بسیار اندکی از آنها به اهمیت دید داشتن مکان توجه کردند. اگرچه تعداد زیادی از کودکان کوچکتر قادر به شناسایی مکان‌های تخصیص یافته برای عبور از خیابان بودند اما تعدادشان نسبت به کودکان بزرگتر و بزرگسالان کمتر است. عرض خیابان یکی از مواردی بوده است که تقریباً همه گروه‌های سنی به یک نسبت به آن توجه کردند.

جدول ۳- بیشترین دلایل ذکر شده برای توضیح «ایمن» بودن تصویر و درصد آنها بر حسب کل پاسخ‌های «ایمن» داده

شده در هر گروه سنی

دلایل	۵ ساله‌ها	۷ ساله‌ها	۹ ساله‌ها	۱۱ ساله‌ها	بزرگسالان
تعداد کل پاسخ‌ها ایمن	۱۶۸	۲۵۷	۲۲۰	۲۲۷	۱۵۵
اتومبیلی در خیابان وجود ندارد	۱۶.۴	۲۲.۴	۱۲.۱	۳.۵	۱.۲
وجود مکان‌های تخصیص یافته برای عبور از خیابان	۵۵.۶	۵۱.۲	۷۰.۷	۸۲.۵	۷۱.۷
عرض کم خیابان	۵	۳	۱.۷	۳	۴.۲
امکان دید کامل دارد/خیابان چند جهتی نیست	۰	۱.۸	۰.۴	۲.۴	۲.۱

جدول ۴ درصد دلایل ذکر شده برای خطرناک بودن مکان عبور از خیابان را نشان می‌دهد. بر طبق جدول، کودکان تا ۹ سالگی مهمترین دلیل برای خطرناک بودن مکان عبور را حضور اتومبیل در خیابان ذکر کردند. آنها کمتر به محدودیت دید و سرعت بالای اتومبیل‌ها توجه کردند. کودکان ۵ ساله نسبت به سایر کودکان و بزرگسالان به چند جهتی بودن خیابان کمتر و به پهنای خیابان بیشتر اشاره کردند.

جدول ۴- بیشترین دلایل ذکر شده برای توضیح «خطرناک» بودن تصویر و درصد آنها بر حسب کل پاسخ‌های «خطر»

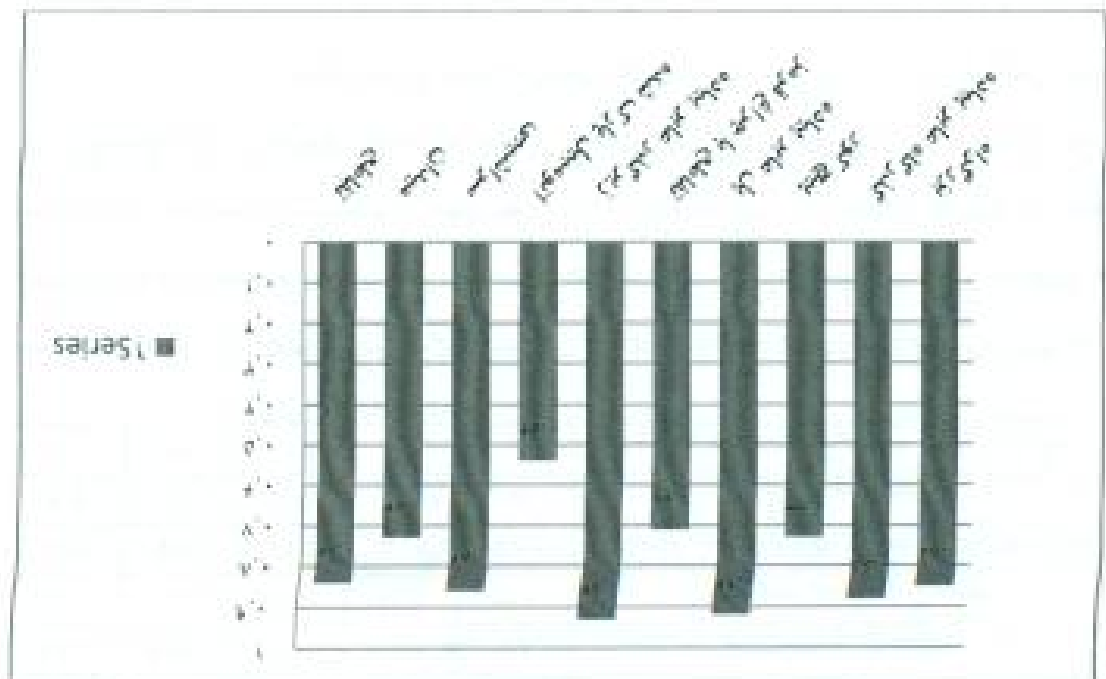
داده شده در هر گروه سنی

دلایل	۵ ساله‌ها	۷ ساله‌ها	۹ ساله‌ها	۱۱ ساله‌ها	بزرگسالان
تعداد کل پاسخ‌های خطر	۱۹۲	۲۱۲	۲۲۰	۲۴۲	۲۰۵
ممکن است اتومبیل عبور کند	۳۰.۹	۲۶.۵	۲۲.۷	۲۵.۴	۴.۶
چند طرفه بودن/ تقاطع چند جهتی	۱.۹	۲۲.۰۸	۱۹.۶	۲۲.۲	۲۲.۹
امکان محدودیت دید دارد	۰	۰.۴	۱.۲	۷.۱	۲۴.۹
سرعت بالا	۵.۵	۵.۹	۱۱	۲۱.۸	۲۱.۲
عرض زیاد خیابان	۴.۵	۲	۱.۶	۰.۷	۱.۸
عدم وجود تسهیلات برای عبور از خیابان	۱۶	۲.۱	۱۶.۷	۲۶.۴	۱۶.۷

۱۱. بررسی کردیم که آیا هر یک از این روش‌ها در تشخیص این بیماری در زنان مبتلا به سرطان پستان موثر است یا نه. نتایج این مطالعه را در جدول زیر مشاهده می‌کنیم.

• نتایج آماری

جدول ۱: نتایج آماری روش‌های تشخیصی مختلف در تشخیص این بیماری در زنان مبتلا به سرطان پستان



بر اساس نتایج این مطالعه، روش‌های تشخیصی مختلفی برای تشخیص این بیماری در زنان مبتلا به سرطان پستان استفاده می‌شود. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که روش‌های تشخیصی ترکیبی (مانند تست بی‌بی بی (TBT) با سونوگرافی و آزمایش خون) دارای حساسیت بالاتری نسبت به روش‌های تشخیصی تک‌مؤلفه‌ای است. همچنین، روش‌های تشخیصی مبتنی بر آزمایش خون و ادرار، به دلیل سادگی و کم‌هزینه بودن، می‌توانند گزینه‌های مناسبی برای غربالگری این بیماری در مناطق با دسترسی محدود به تجهیزات تشخیصی باشند.

ساله نیز مشاهده شد. این یافته‌ها یعنی بهبود در توانایی درک خطر با افزایش سن با نتایج تحقیقات طبیعی و ففمر (۲۰۰۳) و آمپورتینگ و تامسون (۱۹۹۱) همسان است.

○ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شناسایی مکان‌های خطر عبور از خیابان برای همه گروه‌های سنی سخت‌تر از شناسایی مکان‌های ایمن بود. با معنادار بودن تعامل زیرمجموعه‌های «ایمن» و «خطرناک» با سن می‌توان نتیجه گرفت که این سختی در بین کودکان خیلی بیشتر از بزرگسالان بوده است. نتایج تحلیل واریانس یک طرفه نشان می‌دهد که کودکان تا سن ۹ سالگی قادر به شناسایی مکان‌های ایمن عبور از خیابان شدند. اما شناسایی مکان‌های خطرناک عبور از خیابان حتی در ۱۱ ساله‌ها همچنان ضعیف بود چراکه نمرات آنها بطور معناداری از بزرگسالان کمتر بود. تحقیق آمپورتینگ و تامسون (۱۹۹۱) روی کودکان گلاسکوئی تفاوتی در عملکرد کودکان ۵، ۷، ۹ و ۱۱ ساله در شناسایی مکان‌های ایمن پیدا نکردند. یعنی کودکان ۵ ساله گلاسکوئی به اندازه بچه‌های بزرگتر نسبت به مکان‌های ایمن تخصیص یافته برای عبورین پیاده مانند گذرگاه عبور پیاده، آگاه بودند. اما در تحقیق فعلی نتایج حاکی از عدم آگاهی کودکان ۵ و ۷ ساله از مکان‌های ایمن طراحی شده در نظام ترافیکی ایران است. چراکه عملکرد کودکان ۵ و ۷ ساله در این تکلیف از ۱۱ ساله‌ها و بزرگسالان ضعیف‌تر بود. مطالعه آمپورتینگ و تامسون (۱۹۹۱) همچنین بیان می‌کند که کودکان ۹ و ۱۱ ساله گلاسکوئی نسبت به کودکان ۵ و ۷ ساله از توانایی بهتری در جهت شناسایی مکان‌های عبور خطرناک برخوردار بودند. اما نتایج تحقیق فعلی نشان می‌دهد که کودکان ۹ ساله ایرانی از کودکان ۱۱ ساله و کودکان ۱۱ ساله نسبت به بزرگسالان آگاهی بسیار کمتری از مکان‌های عبور خطر داشتند. با مقایسه نتایج تحقیق آمپورتینگ و تامسون با نتایج تحقیق فعلی می‌توان این برداشت را کرد که کودکان ایرانی کمی دیرتر از همسالانشان در گلاسکو از مکان‌های عبور ایمن موجود و نیز مکان‌های ناایمن آگاه می‌شوند.

○ ففمر (۲۰۰۵) و فیهری، برناسکاور و اولیبرگ (۲۰۰۲) بر آگاهی بیشتر از خطرات موجود در سفرهای خیابانی کودکان ۵ تا ۶ ساله شهری نسبت به همسالان روستایی آنان اشاره کردند. آنها این تفاوت را به دلیل تفاوت در تجارب کودکان شهری و روستایی مطرح کردند. آنها اذعان داشتند که مواجهه هر چه بیشتر با محیط‌های پیچیده تر ترافیکی و محل‌های ایمن اختصاص یافته برای عبورین پیاده، کودکان را از

ساختار شناختی کودکان تغییری کیفی حاصل می‌شود که موجب ارائه پاسخ‌های متفاوت در سنین مختلف به درک خطر می‌گردد. براساس دیدگاه پیازره کودکان تا ۷ سالگی قادر به تمرکززدایی و درک دیدگاه دیگران نیستند. شاید این ناتوانی دلیلی باشد بر ناتوانی کودکان در این تحقیق در متمرکز کردن توجه به جنبه‌های دیگر خیابان به غیر از «بودن و نبودن اتومبیل» یا «عرض خیابان»، البته بر اساس نظر پیازره انتظار می‌رود که کودکان بزرگتر از ۹ سال می‌توانستند بر عامل مهم «دیدن و دیده شدن» اشاره کنند. اما نتایج با این انتظار همخوانی ندارند. البته توضیح دیگری که می‌توان ارائه داد براساس دیدگاه‌های تحولی پردازش اطلاعات است. کودکان قادر به تمرکز کردن بر جنبه‌های مختلف محیطی هستند اما ظرفیت شناختی محدود و قدرت توجه ضعیف آنها احتمالاً عملکردشان را تضعیف می‌نماید. در تحقیق فعلی هرچه ساختار محیطی خیابان‌ها پیچیده‌تر می‌شد (عمدتاً مکانهای خطر) عملکرد کودکان بدتر می‌شد. ساختارهای پیچیده حاوی محرکات ادراکی (وجود اتومبیل، عرض خیابان) و غیر ادراکی (توجه به عامل سرعت اتومبیل و محدودیت دید، تاثیر سرایشی بر شتاب اتومبیل) است. کودکان کوچکتر در استدلال‌های شان بیشتر به «بودن یا نبود خودرو» که یک پاسخ غالب و ادراکی اما ناکارآمد در مواجهه با نظام ترافیکی است اشاره کردند. کودکان کوچکتر چون اتومبیل نمی‌بینند استدلال ایمن بودن را می‌کنند بدون توجه به این مسئله که در برخی شرایط شاید نتوان اتومبیل را دید اما در واقع وجود دارد (مانند سربع). چنین پردازشی احتمالاً تقاضای بیشتری از ظرفیت ذهنی می‌خواهد. با وجود محدودیت این ظرفیت در کودکان کوچکتر آنها از حل این مسئله ناتوانند. توجه کودکان بزرگتر هم گاهاً به این عامل برجسته و ادراکی معطوف شده تحول زشد ظرفیت ذهنی، آنها را قادر به پردازش عاملهای دیگری چون «پیچیدگی»، «سرعت» و «دید» در سبب شناختی اشان می‌کند و در نتیجه عملکرد بهبود می‌یابد.

○ مسلماً صحت هر یک از توضیحات بالا منوط به انجام تحقیقات بیشتر، مربوط و دقیق‌تری است. به هر حال شاید بتوان چنین نتیجه‌گیری کرد که برای عملکردی ایمن در ترافیک نه تنها ریش زیربنای شناختی (چه ساختاری، چه کارکردی) لازم است، بلکه تجربه، آموزش و برخورد با محیط نیز الزامی است. این امکان پذیر نیست مگر با آموزش‌های رسمی در مدرسه و غیررسمی توسط والدین و رسانه‌های گروهی.

یادداشت‌ها

- 1- World Health Organization (WHO)
 2- centeration
 3- irreversibility
 4- decentration
 5- perspective-taking

منابع

- آیتی، اسماعیل (۱۳۸۱). بررسی جامع تصادفات ترافیکی شهر مشهد: تشکیل پایگاه اطلاعات رایانه ای و تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس مدل TRL-MAAP. دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
- فلاول، جان ایچ. (۱۳۷۷). رشد شناختی، ترجمه فرهاد ماهر، تهران: انتشارات رشد.
- برک، لورا (۱۳۸۷). روان شناسی رشد، (ازقلمح ناگودکی)، جلد اول، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر ارسباران.
- وادزورث، باری جی. (۱۳۷۸). تحول شناختی و عاطفی از دهندهگاه پیازه، ترجمه صالحی قدردی و امین یزدی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- Ampofo-Boateng, K. & Thomson, J. A. (1991). Children's perception of safety and danger on the road, *British Journal of Psychology*, 82, 487 – 505.
- Ampofo-Boateng, K., Thomson, J. A., Grieve, R., Pitcairn, T., Lee, D. N. & Demetre, J. D. (1993) A developmental training study of children's ability to find safe routes to cross the road. *British Journal of Developmental Psychology*, 11, 31 – 45.
- David, S. S. J., Chapman, A. J., Foot, H. C. & Sheehy, N. P. (1986). Peripheral vision and child pedestrian accidents, *British Journal of Psychology*, 77, 433 – 450.
- Demetre, J. D. (1997). Applying developmental psychology to children's road safety: Problems and prospects, *Journal of Applied Developmental Psychology*, 18, 263 – 270.
- Demetre, J. D. (1998). The effectiveness of parents in promoting the development of road crossing skills in young children, *British Journal of Educational Psychology*, 68, 475 – 491.
- Demetre, J.D. & Gaffin, S. (1994) The salience of occluding vehicles to child pedestrians. *British Journal of Educational Psychology*, 64, 243 – 251.
- Dunbar, G., Lewis, V., & Hill, R. (2002). Parent-child interaction and road behaviour: An exploratory study, *British Journal of Developmental Psychology*, 20, 601-622.
- Foot, H., Tolmie, A., Thomson, J., McLaren, B., & Whelan, K. (1999). Recognising the hazards, *The Psychologist*, 12 (8), 400 – 402.
- Fyhri, A., Björnskau, T. & Ulleberg, P. (2004). Traffic education for children with a tabletop model. *Transportation Research Part F: Traffic Psychology and Behaviour*, 7, 197-207.
- Hill, R., Lewis, V. & Dunbar, G. (2000). Young children's concepts of danger, *British Journal of Developmental Psychology*, 18, 103 – 119.

- Khorsani Zavareh, D., Mohammadi, R., Latharime, L., Naghavi, M., Zarei, A. & Hajjand, B. J. A. (2008). Estimating road traffic mortality more accurately: Use of the capture-recapture method in the West Azarbaijan Province of Iran. *International Journal of Injury Control and Safety Promotion*, *15*(1), 9–17.
- Pfeffer, K. (2005). Rural and urban children's understanding of safety and danger on the road. In: G. Underwood (Ed.), *Traffic and transport psychology: Theory and application* (pp. 27–36). Elsevier Ltd, Amsterdam.
- Tabibi, Z. & Pfeffer, K. (2003). Choosing a safe place to cross the road: The relationship between attention and identification of safe and dangerous road-crossing sites. *Child Care, Health and Development*, *29*, 4, 237–244.
- Tabibi, Z. & Pfeffer, K. (2007). Finding a safe place to cross the road: The effect of distractors and the role of attention in children's identification of safe and dangerous road-crossing sites. *Infant and Child Development*, *16*, 193–206.
- Thomson, J. A., Ampofo-Boweng, K., Lee, D. N., Grove, R., Piccum, T. K., & Denner, J. D. (1998). The effectiveness of parents in promoting The development of road crossing skills in young children. *British Journal of Educational Psychology*, *68*, 475–491.
- Vinje, M. P. (1981). Children as pedestrians: Abilities and limitations. *Accidents Analysts and Prevention*, *13*(3), 225–240.
- West, R., Train, H., Junger, M., West A. & Pickering, A. (1999). Accidents and problem behaviour. *The Psychologist*, *12*(8), 394–397.
- Whitebread, D. & Nelson, K. (2000). The contribution of visual search strategies to the development of pedestrian skills by 4–11 year-old children. *British Journal of Educational Psychology*, *70*, 539–557.
- World Health Organisation. (2004). *World report on road traffic injury prevention*. WHO, Geneva.
- Zargar, M., Roudsari, B. S., Shadman, M., Kaviani, A. & Tarighi, F. (2003). Pediatric transport related injuries in Tehran: The necessity of implementation of injury prevention protocols. *International Journal of the Care of the Injured*, *34*, pp. 820–824.